

**۵۸ اعتراض  
به قانون ازدواج موقت**

نویسنده:  
محمد باقر سجودی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

آدرس ایمیل:

#### سایت های مفید

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.ahlesonnat.com](http://www.ahlesonnat.com)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com)

[www.blestfamily.com](http://www.blestfamily.com)

[www.islamworldnews.com](http://www.islamworldnews.com)

[www.islamage.com](http://www.islamage.com)

[www.islamwebpedia.com](http://www.islamwebpedia.com)

[www.islampp.com](http://www.islampp.com)

[www.videofarda.com](http://www.videofarda.com)

[www.nourtv.net](http://www.nourtv.net)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.islamhouse.com](http://www.islamhouse.com)

[www.bidary.net](http://www.bidary.net)

[www.tabesh.net](http://www.tabesh.net)

[www.farsi.sunnionline.us](http://www.farsi.sunnionline.us)

[www.sunni-news.net](http://www.sunni-news.net)

[www.mohtadeen.com](http://www.mohtadeen.com)

[www.ijtehadat.com](http://www.ijtehadat.com)

[www.islam411.com](http://www.islam411.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	۳
مقدمه.....	۷
فصل اول: در قرآن.....	۸
اعتراض ۱ ما به قانون متعه: «استمتعتم به» در قرآن در جای دیگر به این معنی نیامده که شیعه می گوید.....	۸
اختلاف شیعه و سنی در ترجمه این آیه است:.....	۸
اعتراض ۲ ما به قانون متعه: ضمیر ﴿بِهٖ﴾ کار شیعه را مشکل می کند.....	۱۰
اعتراض ۳ ما به متعه: چرا مبهم است؟.....	۱۱
اعتراض ۴ ما به قانون متعه: در آیه مدت ذکر نیست.....	۱۲
اعتراض ۵ ما به قانون متعه: غیر مسافحین.....	۱۳
اعتراض ۶ ما به قانون متعه: محصن و محصنه.....	۱۳
اعتراض ۷ ما به قانون متعه: (ف) را در آیه ببینید.....	۱۵
اعتراض ۸ ما به قانون متعه: برخلاف روال آیات است! واو عطف را ببینید.....	۱۶
اعتراض ۹: ما به قانون متعه: قانون متعه در قرآن غریب است، شاهد ندارد.....	۲۱
اعتراض ۱۰ ما به قانون متعه: قرآن حق سخن را درباره ازدواج مؤقت ادا نکرده و درباره شرح متعه عدالت را رعایت نکرده!!!!.....	۲۳
اعتراض ۱۱ ما به قانون متعه: مهریه نیز در آخر پرداخت می شود نه اول.....	۲۴
اعتراض ۱۲ ما به قانون متعه: قرآن تحریف نشده.....	۲۵
اعتراض ۱۳ ما به قانون متعه: «حرمت علیکم..... وأحل علیکم».....	۲۶
اعتراض ۱۴: «هن» را ببینید.....	۲۸

**فصل دوم تضاد متعه با قوانین قرآن ..... ۳۰**

اعتراض ۱۵: الله به مردها در قرآن اجازه داده فقط تا ۴ زن بگیرند، اما متعه

برعکس است ..... ۳۰

اعتراض ۱۶: ما به قانون متعه: این قانون طلاق اسلامی را ملغی کرده ..... ۳۰

اعتراض ۱۷: مودت و رحمت نیست ..... ۳۱

اعتراض ۱۸: زن صیغه‌ای امین و محافظ خانه نیست ..... ۳۲

اعتراض ۱۹: نه زوجه است نه کنیز ..... ۳۳

اعتراض ۲۰: نتایج عروسی را ندارد در فرزند و نوه ..... ۳۴

اعتراض ۲۱: نتایج عروسی را ندارد در خویشاوندی ..... ۳۵

اعتراض ۲۲: قرآن فلسفه ازدواج مؤقت را قبول ندارد و راه دیگری را تجویز

می‌کند ..... ۳۵

اعتراض ۲۳: زن کشتزار نیست ..... ۳۸

اعتراض ۲۴: در متعه، مرد برتر از زن نیست، بلکه طرف قرارداد است ..... ۳۹

اعتراض ۲۵: پیمان محکم نیست ..... ۳۹

**فصل سوم تضاد متعه با سنت ..... ۴۱**

اعتراض ۲۶: ما به قانون متعه: در کتب سنی‌ها نیست ..... ۴۱

اعتراض ۲۷: ما به شیعه: به غلط می‌گویند که: امیرالمؤمنین عمر متعه را حرام کرد

..... ۴۲

اعتراض ۲۸: ما به قانون متعه: صحابه چرا ساکت شدند؟ ..... ۴۴

اعتراض ۲۹: ما به قانون متعه: رسم جاهلیست ..... ۴۵

اعتراض ۳۰: ما به قانون متعه: برداشت غلط اونها از حدیث ما ..... ۴۶

اعتراض ۳۱	ما به قانون متعه: نه پیامبر صیغه کرده نه علی نه حسن نه حسین نه باقر نه صادق برو تا آخر.....	۴۷
اعتراض ۳۲	ما به قانون متعه: می گویند: قانون الله است ولو که بد باشد.....	۴۷
<b>فصل چهارم: در تضاد با عقل</b>		
اعتراض ۳۳	ما بر قانون متعه: خلاف فطرت است.....	۴۹
اعتراض ۳۴	ما به قانون متعه: بیماری‌های جنسی را گسترش می‌دهد.....	۵۵
اعتراض ۳۵	ما به قانون متعه: روسپی پرور است.....	۵۶
اعتراض ۳۶	ما به قانون متعه: ازدواج با محارم رواج میابد.....	۵۷
اعتراض ۳۷	ما به قانون متعه: از این بغل برو تو اون بغل!! این اسلام اونهاست	۵۸
اعتراض ۳۸	ما به قانون متعه: مؤقت خودش غلط است برای یک نیاز دایمی.	۵۹
<b>فصل پنجم ضرر زنان و کودکان از این قانون</b>		
اعتراض ۳۹	ما به قانون متعه: ضرر حلال دانستن صیغه.....	۶۰
اعتراض ۴۰	ما به قانون متعه: بضرر دختران پاکدامن است.....	۶۱
اعتراض ۴۱	ما به قانون متعه: برای زنان پیر شده عذاب است.....	۶۲
اعتراض ۴۲	ما به قانون متعه: محروم کردن دختران از حق زناشویی و همبستری.....	۶۳
اعتراض ۴۳	ما به قانون متعه: کودک از یکی از والدین محروم است.....	۶۵
اعتراض ۴۴	ما به قانون متعه: بچه از کجا بخورد؟.....	۶۷
اعتراض ۴۵	ما به قانون متعه: کامجویی از کودک جایز است.....	۶۷
اعتراض ۴۶	کودک از خویشاوند محروم است.....	۶۸
<b>فصل ششم دفاع دروغین شیعه</b>		
اعتراض ۴۷	.....	۶۹

- اعتراض ۴۷ ما به قانون متعه: بی پول گاهی در چاه میافتد ..... ۶۹
- اعتراض ۴۸ ما به قانون متعه: شیعه در دفاع از قانون متعه مکر می کند ..... ۶۹
- اعتراض ۴۹ ما به قانون متعه: تعدد مراجع مکری دیگر در دفاع از قانون متعه . ۷۱
- اعتراض ۵۰ ما به قانون متعه: شیعه می گوید که اگر متعه را عمر حرام نمی کرده بود، هیچ شریفی زنا نمی نمود ..... ۷۳
- اعتراض ۵۱ ما به قانون متعه: برای پولدارهاست ..... ۷۳
- اعتراض ۵۲ ما به قانون متعه: بهانه شیعه برای متعه کردن ..... ۷۴
- اعتراض ۵۳ ما به قانون متعه: می گویند: متعه حلال است نه واجب ..... ۷۵
- اعتراض ۵۴ به قانون متعه: ببینید ثواب متعه را ..... ۷۶
- اعتراض ۵۵ به قانون متعه: شیعه سعی دارد وقت تنگنا متعه را انسانی تر کند ... ۷۶
- اعتراض ۵۶: متعه زانیه و کافره، گول علما را نخورید ..... ۷۹
- اعتراض ۵۷: مقصود منم، و امثال تو باشند بهانه!! ..... ۷۹
- اعتراض ۵۸: تعریف آنها از ازدواج مسیار! نادرست است ..... ۸۱

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### مقدمه

الحمد لله وحده والسلام والصلاة على من لا نبي بعده.

شیعه‌ها قانونی دارند بنام ازدواج موقت، در میان ملل عالم تنها آنها هستند که تحت نام دین، ازدواجی شبیه به زنا را حلال می‌دانند و نه فقط حلال، بلکه که کاری ثواب می‌دانند! تو گویی سازندگان این مذهب قصد مسخره کردن اسلام را داشته‌اند و والله می‌خواستند که اسلام را مسخره کنند اگر نه، پس چرا از خر روایت می‌کنند که فلان خر از پدرش و او از جدش روایت کرده که...

خوب، اینها نشانه سیاهی دل و حقد بی‌پایان است.

به هر حال، شیعه‌های ساده لوح و بیخبر گمان می‌کنند قانون ازدواج موقت هم در قرآن است هم در کتاب سنی‌ها!!!

و ما فصل اول کتاب خود را با آیه‌ای که آنها گمان می‌کنند در باره متعه است شروع کردیم و ۱۳ رد بر آنها نوشتیم.

در فصل دوم کتاب تضاد متعه را با قوانین قرآن نشان دادیم.

در فصل سوم ثابت کردیم که بر خلاف ادعای شیعه در کتب اهل سنت متعه حرام قطعی دانسته شده.

در فصل ۴ دلایل عقلی در رد متعه را نوشتیم.

و در فصل ۵ ضرر آن را برای کودکان و زنان نشان دادیم.

و در فصل آخر دفاعیات شیعه‌ها را جواب دادیم.

از الله می‌خواهم که این کار را قبول کند و آن را سبب نجات شیعه‌ها از این مذهب باطل، و وسیله نجات من در سكرات و قبر و قیامت و از آتش جهنم قرار دهد.

و آن را از من بپذیرد و در عوض فردوس را بدهد که این اجر بزرگ را برای یک عمل کوچک، از وهاب کریم طمع داشتن، عبث نیست.

## فصل اول:

### در قرآن

اعتراض ۱ ما به قانون متعه: «استمتعتم به» در قرآن در جای دیگر به این معنی نیامده که شیعه می گوید

اختلاف شیعه و سنی در ترجمه این آیه است:

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (نساء: ۲۴).

شیعه آیه را اینطور ترجمه می کند:

و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (اینها احکامی است که) خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.

و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید...

و سنی ترجمه آنها را رد می کند و اینطور ترجمه می کند:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾

«پس وقتی که به وسیله مالتان از زنها کام گرفتید پس مهر آنها را واجب است که بپردازید».

و ترجمه شیعه را به چند دلیل رد می کند:

دلیل اول اینکه ﴿اسْتَمْتَعْتُمْ﴾ در قرآن، به معنی صیغه کردن نیست، در جاهای دیگر

قرآن این کلمه و مشتقاتش آمده اما به معنی کامجویی دائم آمده نه ازدواج موقت.



﴿كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَدًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُوتِيكَ<sup>ط</sup> هُمُ الْخَسِرُونَ ﴿٦٩﴾﴾

[التوبة: ٦٩].

یعنی: «(حال شما منافقان) چون کسانی است که پیش از شما بودند آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند پس از نصیب خویش [در دنیا] بهره‌مند شدند و شما [هم] از نصیب خود بهره‌مند شدید همانگونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش بهره‌مند شدند و شما [در باطل] فرو رفتید همان گونه که آنان فرو رفتند آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند.»

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾﴾ [الأحقاف: ٢٠].

یعنی: «و آن روز که آنهایی را که کفر ورزیده‌اند بر آتش عرضه می‌دارند [به آنان می‌گویند: نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایان [خودخواهانه] صرف کردید و از آنها بهره‌مند شدید پس امروز به [سزای] آنکه در زمین بناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می‌کردید به عذاب خفت [آور] کیفر می‌یابید» اگر اینجا بهره‌گیری از دنیا به معنی موقت میبود، پس خوشبخت‌تر از کافران و منافقان کسی نبود پس در آن صورت آیه این معنی را میداشت که «کافران و منافقان بطور موقت گناه کردند بعد توبه نمودند!!!!!!».

قرآن، در مورد نکاح و طلاق دادن زنان است باز کلمه تمتع را بکار برده: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾﴾ [الأحزاب: ٤٩]. «ای کسانی‌که

ایمان آورده‌اید هنگامیکه زنان مؤمن را نکاح کردید و سپس طلاق دادید پس بهره‌مند گردانید ایشان را و رها کنید به نیکویی».

شیعه حتماً اینجا می‌گوید که: تمتع دو معنی دارد یکی بهره‌گیری مطلق یکی بهره‌گیری موقت (ازدواج موقت).

در جواب می‌گوییم: در ۶۰ مورد این کلمه و مشتقاتش در قرآن آمده یکبار هم بمعنی مؤقت نیامده بلکه آیات استمتاع در قرآن معنی عام دارد و تماماً بهره‌مندی دائمی از زندگی دنیا را شامل می‌شود نه مؤقت را! البته در حدیث برای متعه کردن تمتع آمده اما در قرآن این کلمه که شیعه به معنی متعه گرفته هیچگاه بمعنای مؤقت نیامده است. البته شیعه می‌تواند بگوید: در قرآن در جایی دیگر بمعنای مؤقت نیامده؟ عیبی ندارد که نیامده باشد چون در حدیث این کلمه به معنای ازدواج مؤقت هم آمده پس ترجمه ما ایرادی ندارد.

اما اعتراض ما فقط این نیست ایرادهای دیگر ما بر آنها این اعتراض را نیز تقویت می‌کند و تفسیر آنها را باطل مینماید.  
بخوانید:

### اعتراض ۲ ما به قانون متعه: ضمیر ﴿بِهٖ﴾ کار شیعه را مشکل می‌کند

نکته دیگر در حرف «به» در ﴿أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ﴾ این است که آیه اینجا با این ﴿بِهٖ﴾ واضح می‌کند که منظورش بهره‌گیری «استمتعتم» در درجه اول از چیست؟

﴿وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ (النساء: ۲۴).

«حلال شد غیر از این برای شما که بجوید با مال خود زنان دیگر را در حالیکه محکم کاری (پاکدامنی) اراده دارید نه زنا کاری، پس وقتی بهره بردید بوسیله مال از آنها پس بدهید مهر آنها را».

پس فعل تمتع در اینجا در درجه اول به معنی بهره بردن از مال است و بعد بوسیله مال از زنان و مستقیماً ربطی به ازدواج مؤقت ندارد و نباید ترجمه شود ازدواج مؤقت، اما اونها می گویند: وسیله در اینجا اهمیت ندارد «واستمتعتم» را ترجمه می کنند به ازدواج مؤقت در حالیکه حتی اگر ترجمه آنها را بپذیریم باید اینطور بگویند:

از امواتان مؤقتاً بهره بگیرید در جهت ازدواج، نه اینکه ترجمه کنند از امواتان بهره بگیرید برای ازدواج مؤقت! اگر توجه کنید شیعه در حقیقت ﴿أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ﴾ را به صورت «استمتعتم بهن» ترجمه می کند.

یعنی بجای آنکه بگویند: بهره گرفتید از مال برای ازدواج ﴿أَسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ می گویند: بهره مؤقت گرفتید از زنان بوسیله مال «استمتعتم بهن به»!!!!. این ترجمه، عجیب است.

ترجمه مکارم شیرازی را ببینید:

(برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج مؤقت] می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید).

همانطور که می بینید در این ترجمه آقای آیت الله، ضمیر ﴿بِهِ﴾ را اصلاً ترجمه نمی کند! و زیر سیبیلی از آن میگذرد چرا؟ شما بگویند چرا؟!.

### اعتراض ۳ ما به متعه: چرا مبهم است؟

چرا در هر قانونی که شیعه در آن با سنی اختلاف دارد، الله آیه واضحی نازل نکرده؟.

معصومیت ۵ تن را به ادعای آنها در وسط آیات مربوط به زنان نوشته شده!!.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مائده: ۳)، را که به ادعای اونها در باره غدیر است یوم  
جانشینی علی علیه السلام در وسط آیات خوراکی نوشته شده؟!.

متععه را بطور مبهم در وسط آیات نکاح دایم نوشته حتی رکن مهم و اصلی متعه که  
معلوم کردن مدت است نیز در قرآن نیامده و حتی اگر تأویل شیعه را قبول کنیم باز  
میتوانیم بگوییم: دو پهلوی و مبهم نوشته و دیدیم «استمتعتم» دو معنی دارد و تازه در قرآن  
هرگز به این معنی مؤقت نیست مگر اینکه ادعای شیعه و تأویل آنها را قبول کنیم آن  
وقت همین یک مورد مؤقت می شود!!.

امام زمان را از زبان حضرت شعیب معرفی کرده که ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود: ۸۶)  
و ظاهراً آیه درباره کم فروشی است و باید بزور تأویل چسباندش به امام زمان.

### بجای معرفی ۱۲ امام نوشته اولی الامر!

چرا اینطور نوشته؟ آیا قرآن مبهم است یا ادعاهای شیعه دروغ؟  
فراموش نکنیم که مذاهب باطل با همین مبهم کاری و تأویل، نظرات خود را ثابت  
می کنند!!! حتی که بهایی ها کتابی دارند بنام «اثبات پیامبری بهاء الله از آیات قرآن» و همه  
جا از جملات عجیب استفاده شده نه نص صریح.

آیا این دلیل نیست که تأویلات شیعه ساختگی است؟

سوال این است: باوجودی که قرآن خود را مبین و آشکار معرفی می کند پس چرا  
عقاید خاص شیعه و از جمله ازدواج مؤقت بطور واضح بیان نشده و از کلمات دو پهلوی  
و دو معنی استفاده شده و شیعه بیچاره مجبور کرده برای تأویل آن نیم کیلو لاغر شود!!  
چرا قرآن بما فرصت داده یازده ایراد محکم به تأویل شیعه ها بگیریم؟.

آیا نمیتوانست از ۳۰۰ آیه مربوط به نکاح دایم یکی دو تا را کم کند و درباره ازدواج  
مؤقت بنویسد؟!.

**اعتراض ۴ ما به قانون متعه: در آیه مدت ذکر نیست**

بگفته اجماع فقهاء شیعه، یکی از ارکان متعه، قید مدت است و اگر مدت ذکر نگردد عقد متعه باطل است.

و میگویند: به مجرد عدم ذکر مدت در متعه، نکاح دائم میشود اگر چه قصد طرفین متعه بوده باشد.

شیعه می گوید: متعه دارای مدت است و این اصل متعه است و ذکر مهریه، فرع مدت است.

ما می گوئیم: با توجه به این قانون فقهای شیعه، اگر این آیه درباره متعه باشد، الله چرا شرط اصلی را ذکر نکرده (مدت را)؟

هان میدانیم پاسخ شما چیست!! خواهید گفت: هر چیز در قرآن نیست خب پس چرا شرط فرعی (مهریه را) ذکر کرده؟ این خود دلیل دیگری است که این آیه درباره ازدواج دائم است نه مؤقت.

### اعتراض ۵ ما به قانون متعه: غیر مسافحین

در جمله ﴿أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾<sup>۴</sup> فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ﴿(نساء: ۲۴).

﴿غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾ یعنی غیر ازاله کننده شهوت یعنی فقط برای شهوت و زنا نباشد. درست است که ازدواج دائم نیز یک هدفش برای زدودن شهوت است اما فقط برای این نیست.

اما متعه فقط برای زدودن شهوت است.

پس باز ضد آیه است، ضد همان آیه ای است که شیعه همان را می خواهد بعنوان شاهد متعه از قرآن بیاورد.

### اعتراض ۶ ما به قانون متعه: محسن و محصنه

در لغت محصن یعنی کسیکه قلعه‌ای بنا می‌کند و صاحب قلعه و دژ است و محصنه یعنی کسیکه داخل این حصار می‌شود و خود را محفوظ مینماید. و در اصطلاح شرع، محصن مرد است که خانه بنا می‌کند، و محصنه زن است که میاید در آن خانه تا محفوظ باشد.

و از آیه‌ای که شیعه از قرآن دزدیده و معنایش را عوض کرده یعنی این آیه: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كَاتِبَاتٌ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾ [النساء: ۲۴].

«و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که نگه دارنده باشید و نه زنا کننده (گذرا و مؤقت نباشد). پس وقتیکه از مال بهره بردید از زنان پس واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعدها می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید). خداوند، دانا و حکیم است.»

در اینجا آمده:

﴿مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾.

یعنی: الله دستور می‌دهد بشما مردان را که زن بگیرید در حالیکه می‌خواهید محصن باشید یعنی: خانه‌ای برای محفوظ کردن زن درست کنید با مال خود. و پشتش تأکید می‌کند که برای زنای (گذرا) نباشد. خب در متعه که مرد قلعه نمی‌سازد و زن داخل حصار محفوظ نمی‌شود یک ساعت بعد تو بخیر و من بسلامت!!

پس زن محفوظ نیست و مرد را هم نمی‌توان محصن گفت «صاحب قلعه و حصار گفت».

همه چیز با یک اتاق اجاره‌ای بعد از یکساعت تمام می‌شود.  
و زن با حقوق نفقه و حمایت و ارث و حق پیری و حقوق مادری و حقوق بعد از مرگ شوهر وووو... محفوظ و بیمه نمی‌شود.

### اعتراض ۷ ما به قانون متعه: (ف) را در آیه ببینید

در آیه‌ای که ما و شیعه در معنی آن اختلاف داریم حرف ف آمده:

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۖ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾﴾ [النساء: ۲۴].

حالا معنی آیه را ببیند که شیعه‌ها ترجمه کردند.

«و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است)، اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.

**و** زنانی را که متعه [= ازدواج مؤقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید) خداوند، دانا و حکیم است».

**و حالا ترجمه ما را ببینید:**

«و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید.

**سپس** وقتیکه با مال بهره بردید از زنان پس واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعدها می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید) خداوند، دانا و حکیم است.»

**ف** هرگز در عربی به معنی [و] نیست به معنی سپس است و این یعنی اینکه جمله کاملاً مربوط است به ماقبل یعنی جمله ماقبل می‌گوید هرچه که می‌گوید ..... .

و این جمله مورد تنازع می‌خواهد بگوید:

(پس حاصل سخن از جمله قبل اینکه .....)

یعنی باید بی‌توجه به ما قبل ترجمه نکنیم

و یک شاهد دیگر داریم که جمله مورد تنازع به ماقبل خود متصل است و آن کلمه «به» است که معنی «با آن» را دارد که اشاره به مال است اما شیعه اصلاً این را در ترجمه فراموش می‌کند:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ «و زنانی را که متعه [=

ازدواج مؤقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید.»

ملاحظه فرمودید این ترجمه شیعه است نه «ف» را درست معنی کرده نه معنی «به» را.

### اعتراض ۸ ما به قانون متعه: برخلاف روال آیات است! واو عطف را ببینید

شیعه عقیده دارد این قسمت آیه درباره متعه نکاح مؤقت است.

اما شما بیابید این آیه را کامل ببینید آیات قبل و بعد را از این آیه را ببینید.



از آیه ۱۹ تا ۲۸ از سوره النساء، مجموعه آیاتی با سر عنوان ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ شروع شده ببینید و خواهش می‌کنم با دقت بخوانید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا <sup>ط</sup> وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمُ إِحْدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ؕ أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ ءَابَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ؕ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهُتِ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَالَاتُكُمُ أَبْنَاءِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ؕ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٣﴾ \* وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ؕ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ؕ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ؕ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾ وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ ؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
 مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَفِّحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَحِشَةٍ  
 فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ  
 تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ يُرِيدُ ﴿٢٠﴾ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ  
 قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢١﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ  
 الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٢﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ  
 الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٣﴾

ترجمه آیات: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها)، ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!.....۱۹.

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟!.....۲۰.

و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ و آنها از شما پیمان محکمی گرفته‌اند!.....۲۱.

و با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه در گذشته انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تفرآور و راه نادرستی است.....۲۲.

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید - و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد - و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.....۲۳.

و زنان شوهردار (بر شما حرام است)؛ مگر آنها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آن زنان را بجویند؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. پس وقتیکه با بهره‌گیری از مالتان، زنان گرفتید، واجب است مهر آنها را پردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. خداوند، دانا و حکیم است.....۲۴.

و آنهايي که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند - خدا به ایمان شما آگاه‌تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید - آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است.....۲۵.

خداوند می‌خواهد (با این دستورها، راه‌های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است.....۲۶.

و خدا می‌خواهد شما را بیخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما بکلی منحرف شوید.....۲۷.

خدا می‌خواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن)، کار را بر شما سبک کند؛ و انسان، ضعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است).....۲۸.

شما ببینید این آیات با واو با هم مربوط است شیعه هم قبول دارد که درباره ازدواج داریم است اما وقتی به آیه ۲۵ هم میرسد قبول دارد که درباره ازدواج داریم است ولی ناگهان در وسط آیه ۲۵ می‌گوید: درباره متعه است در حالیکه تمام این آیات با واو به هم متصل شده‌اند.

جالب اینجاست که همان وسط آیه ۲۵ هم با «ف» یعنی پس و با «به» (یعنی بوسیله همان چیزی که قبلاً دارد دربارش صحبت می‌کند یعنی مال) به قسمت اول آیه مربوط است.

و عجب و صد عجب که آخر آیه ۲۵ هم با واو به آیه بعدی متصل است که باز شیعه قبول دارد در باره نکاح داریم است.

دیگر چگونه امکان دارد که وسط این آیه یک کشور مستقل باشد و یک حکم کاملاً جدا داشته باشد؟!

اصلاً مسئله این است که شیعه نتوانسته در قرآن دست برد و قرآن را تحریف کند، چون ممکن نیست، پس مجبور شده برای همه عقاید اساسی خود آیات را بدزدد

شما خودتان بروید آیه ۳۳ از سوره احزاب را ببینید.

اینها برای اثبات معصوم بودن امامان، به قسمتی از یک آیه استناد می‌کنند که خود آیه و آیات قبلش و بعدش درباره زنان پیامبر است و خطاب به زنان پیامبر است و خود شیعه هم قبول دارد اما وسطش را میدزدد.

شیعه درباره اصل امامت ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مائده: ۳)، را دزدیده شما خودتان بروید آیه ۳ از سوره مائده را ببینید. در هر چیز همین روش را بکار برده و هكذا در متعه... و این دلیلی محکم است بر باطل بودن این مذهب و جاودانه بودن و غیر قابل تغییر بودن قرآن.

### اعتراض ۹: ما به قانون متعه: قانون متعه در قرآن غریب است، شاهد ندارد

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۚ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۲۴].

دلیل شیعه برای متعه کردن آیه بالاست.

البته نه همه آیه از وسط آیه این جمله را برداشته:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ و مدعی شده که در باره متعه کردن است.

ما در اینجا با شیعه مخالفت نمی‌کنیم و می‌گوییم: بفرض که این قسمت آیه درباره متعه کردن باشد باز این ایراد باقی می‌ماند که قرآنی که در باره انواع دیگر نکاح دست کم

۲۵۰ آیه دارد چرا یک آیه درباره آداب نکاح مؤقت ندارد؟

مثلا عده نکاح دایم را چند بار شرح داده درباره عده نکاح مؤقت ساکت است!

تعداد زن گیری در ازدواج دائم را شرح داده درباره تعداد در نکاح مؤقت ساکت است، چرا؟

تعداد جدایی مجاز (۳ طلاق) از زن را در ازدواج دائم شرح داده در ازدواج مؤقت ساکت است چرا؟.

مقدار ارث را در ازدواج دائم شرح داده در ازدواج مؤقت ساکت در ساکت است چرا؟.

به همین منوال در هر چیز ساکت است و ما این را دلیل میگیریم که تفسیر شیعه از آیه، دروغ است و الله اصلاً متعاهای را برسمیت نمی شناخته تا درباره آن توضیح دهد! البته اگر قوانین ازدواج متعه با قوانین ازدواج دائم فرق نمیداشت باز شیعه میتواند دلیلی بیاورد اما ازدواج مؤقت در عده در طلاق در ارث در نفقه در مدت در تعداد طلاق و رجوع در عدد زنانی که می شود همزمان صیغه کرد و هم زمان همبستر شد!!!! ووووو با ازدواج دائم فرق دارد پس سکوت قرآن چه معنی دارد؟. شیعه می گوید قرآن به جزییات نمی پردازد.

ولی ما می گوییم که: دروغ است پرداخته!! تقریباً ۳۰۰ آیه درباره جزییات ازدواج دائم دارد.

ببینید حتی وقتی صحبت ازدواج با کنیز است الله مجازات او را در وقت گناه، تعیین کرده و گفته: نصف مجازات زن آزاد است، پس حتی در ازدواج با کنیز نیز به جزییات پرداخته.

اما درباره زن صیغه ای حتی این را هم نگفته که مدت عده او نصف مدت ازدواج دائم است.

اگر در قرآن دست برد ممکن می بود حالا شیعه مشکلی نمیداشت همانطور که در حدیث مشکلی ندارد.

## اعتراض ۱۰ ما به قانون متعه: قرآن حق سخن را درباره ازدواج مؤقت ادا کرده و درباره شرح متعه عدالت را رعایت نکرده!!!!!!

شما به آیه بعد از آیه متعه نگاه کنید (البته این هم آیه متعه نیست شیعه ادعا دارد که هست).

باری به آیه بعد نگاه کنید چه می گوید، در یک آیه چند دستور می دهد:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتْيَتِكُمْ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَاِنْ كُحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرٍ مُّسَفِّحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنْنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

- ۱- و هرکس از شما توانایی مالی نداشته باشد که با زنانی آزاد مؤمن ازدواج کند - بهتر است - با کنیزان مؤمن ازدواج کند و خداوند به ایمان شما داناتر است.
- ۲- همه از یکدیگرید.
- ۳- پس با اجازه سرپرست شان با آنان ازدواج کنید.
- ۴- و مهرهای شان را به وجه پسندیده به ایشان بدهید.
- ۵- در حالیکه پاکدامنان غیرپلید کار باشند.
- ۶- و دوست گیران نهانی نباشند.
- ۷- آنگاه چون ازدواج کردند اگر مرتکب کارناشایستی - زنا- شدند مجازات آنان به اندازه نصف مجازات است که بر زنان آزاد مقرر است.
- ۸- این حکم - ازدواج با کنیزان- برای کسی از شما است که از آرایش گناه بترسد
- ۹- و شکیبایی - و پاکدامنی - پیشه کردن برایتان بهتر است تا عروسی کردن با کنیزان و خداوند آمرزگار مهربان است.

یعنی ۹ دستور داده فقط در یک آیه ۹ دستور داده در باره ازدواج با کنیز.

اما در مورد متعه فقط گفته مهر بدهید.

نه عده را معلوم کرده، نه ارث را در حالیکه میتواند هشت و نه دستور را در یک آیه بدهد اما دو دستور هم نداده بلکه در سراسر قرآن اشاره‌ای به ازدواج مؤقت ندارد. مقایسه بین آیات نکاح دائم و آیه ازدواج با کنیز و نبود آیه در باره متعه نشان میدهد این عدم توازن ثابت می‌کند که تفسیر شیعه از آیه:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ﴾ [النساء: ۲۴]، نادرست است و آیه به این معنی نیست که شیعه می‌گوید.

یا اگر این را نپذیریم پس باید بگوییم: قرآن حق سخن را درباره ازدواج مؤقت ادا نکرده و درباره شرح متعه عدالت را رعایت نکرده؟!!!!!.

اما این ناممکن است پس این تفسیر شیعه، یک تفسیر دروغین و مندر آوردی و بی‌سر و ته است.

### اعتراض ۱۱ ما به قانون متعه: مهریه نیز در آخر پرداخت می‌شود نه اول

شیعه می‌گوید در آیه: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾

[النساء: ۲۴]. «زنانی را که متعه می‌کنید باید مهر آنها را پردازید».

وقتی الله فرموده که هنگامی که از زنان بهره‌گیری جنسی کردید مهر آنها را بدهید. پس این درباره متعه است زیرا در ازدواج دائم وجوب ادای مهر به مقتضای عقد است یعنی همین که عقد حاصل شد زن می‌تواند تمام مهریه خود را مطالبه کند، هر چند دخولی حاصل نشده و حتی ملاحظه‌ای صورت نگرفته باشد.

در جواب می‌گوییم: ای شیعه خودت قانون میسازی!



کی گفته زن که عقد شد باید تمام مهر را بزن پرداخت؟! همه علماء می گویند که: بعد دخول مهر تمام واجب می شود.

این آیه را بین سوره بقره آیه ۲۳۶ و ۲۳۷:

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾

[البقرة: ۲۳۶]. «اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آنها را (با هدیه‌ای مناسب،) بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است.»

﴿وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۳۷].

«و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند؛ یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است.»

حالا با وجود بودن این آیات از خودت قانون بی خود درباره ازدواج دائم نسا و بعد بروید کلمه «اجر» و «اجور» را در قرآن ببینید، همه جا درباره ازدواج دائم است و درباره مهریه است.

**اعتراض ۱۲ ما به قانون متعه: قرآن تحریف نشده**

گاهی می‌شنویم که می‌گویند آیه: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾ [النساء ۲۴]. در وسطش «إلى أجل مسمى» داشته یعنی «تا وقت معین» داشته و سعی می‌کنند از کتب ما دلیل بیاورند. ساده می‌پرسیم آیا قرآن را قبول دارید که تحریف نشده؟ اگر بگویید: بله، تحریف نشده.

پس چه می‌گویید!

و اگر می‌گویید: تحریف شده کافر هستید و ما را با شما کاری نیست پس هرچه دلتان می‌خواهد بکنید چون کافران دیگر.

### اعتراض ۱۳ ما به قانون متعه: «حرمت علیکم ..... وأحل علیکم».

شما سلسله آیات مربوطه را ببینید.

آیه ۲۲ و ۲۳ با حرمت علیکم شروع شده و زنانی را که در نکاح بر مردان حرام است را بیان کرده.

﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿۲۲﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضْعَةِ وَأُمَّهُتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَّاتِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

﴿النساء: ۲۲ / ۲۳﴾.

در آیه بعدی نوشته غیر از اینها برای شما حلال است.

﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۖ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ۖ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ ۖ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَفَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٢٤﴾﴾ [النساء: ۲۴].

پس آیه بعدی به قبلی ربط دارد و این حلال عطف به آن حرام است پس این مؤقت از کجا آمد در این وسط، حالا شما به بعد از «أُحِلَّ لَكُمْ» نگاه کنید آیه دارد می گوید: حلال شد برای شما ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ﴾.

غیر از این حرام شده‌ها ﴿مَا وَرَاءَ ذَلِكَ﴾.

که بگیرید با مالتان ﴿ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ﴾.

(با نیت) پاکدامنی و محکم کار نه زنا ﴿مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ﴾.

پس وقتی با مال از آنها تمتع گرفتید ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾.

مهر آنها را بدهید ﴿فَفَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾.

پس می بینید که، (حلال شد بر شما)، بر می گردد به اون (حرام شد بر شما) ی اول، و درباره نکاح است و تمتع از همون زنان است (زنانی که حلال شد) اصلاً معنی ندارد که شما پای متعه را بمیان بکشید و روال سخن را نبینید.

### مثالی می زنم

قانون گزاری بگوید: کامیون‌ها اجازه ندارند وارد خیابان سعدی و حافظ و خیام و فردوسی و شریعتی شوند، و غیر از این اجازه دارند که وارد خیابانهای دیگر شوند اینجا اگر کسی بگوید که: حرف از تاکسی است که اجازه دارند وارد خیابانهای دیگر شوند

می‌گوییم: به فعل اجازه دارند نگاه کنید درباره کامیون است یا نه و اجازه ندارند هم عطف به کامیون است، تا کسی از کجا آمده؟!!!

در آیه هم همینطور است ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ﴾ قبل از ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ﴾ آمده.  
 ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ﴾ در باره ازدواج دائم است درباره کامیون است پس ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ﴾ هم درباره ازدواج دائم است و {واو} را هم در و حرمت علیکم ببینید که عطف است به فعل «وَأُحِلَّ لَكُمْ». شاید چنین باشد: واو را هم در ﴿وَأُحِلَّ لَكُمْ﴾ عطف است به فعل ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ﴾

#### اعتراض ۱۴: «هن» را ببینید

در جمله ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾ ضمیر (هن) بر میگردد به زنان. کدام زنان؟؟؟ همان زنانی که در آیه فعلی و قبلی درباره شان صحبت شد. همان زنانی که مادر و خواهر ..... و غیره نیستند ما وراء اونها هستند پس «هن» از آسمان نیامده دارد از کسانی صحبت می‌کند که پیشتر موضوع صحبت بودند. من می‌گوییم: از زنان این شهر اونها که خواهر و خواهر زاده و خاله و عمه و ... شما هستند ازدواج با اونها بر شما حرام است اما ازدواج با بقیه اونها حلال است. منظور از بقیه اونها را ما بنویسیم (متععه کنید) درست نیست بقیه اونها یعنی بقیه ساکنان شهر غیر از افراد ذکر شده و حرام شده. اما هن را در اینجا شیعه مستقل کرده و مربوط به زنان متعه دانسته در حالیکه هر بیسوادی می‌داند که ضمیر عطف به ما قبل است.

مثال می‌گوییم:

از اونها کتابها را بگیر، این جمله بالا مفهوم نیست.

اما این زیری مفهوم است.

---

کتابها را به دخترهای خاله دادم از اونها کتابها را بگیر.  
شیعه می گوید: کتاب را به دختر خاله دادم از او {زن صیغه‌ای} کتاب را بگیر بعد او  
را معنی می کند زن صیغه‌ای «منهن». این که نشد.

## فصل دوم

### تضاد متعه با قوانین قرآن

**اعتراض ۱۵: الله به مردها در قرآن اجازه داده فقط تا ۴ زن بگیرند، اما متعه برعکس است**

متعه این قانون الهی را ملغی می‌کند و به مرد اجازه می‌دهد تا ۹۰۰ زن و بیشتر بگیرد. طرفداران قانون متعه می‌گویند: اما این مؤقت است آن دایم. در جواب می‌گوییم که: ازدواج مؤقت می‌تواند یک ازدواج دایمی و بلکه حتی فراتر از ازدواج دایمی باشد. زمان زندگی مشترک زن و مرد در عقد دایم، تقریباً ۵۰ سال، طول میکشد و بعد یکی میمیرد.

اما شما می‌توانید زنی را صیغه کنید و مدت صیغه را، ۹۹ سال قرار دهید، پس دایمی شد! عملاً دایمی شد!!

خلاصه اگر قانون صیغه، الهی باشد پس الله آیه سوم از سوره نساء:

﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبْعَ﴾ [النساء: ۳].

که مرد را محدود می‌کند به ازدواج حداکثر تا ۴ زن را، به عبث و بیهوده نازل کرده. اما چون قرآن عبث نیست، پس ناچاریم نتیجه بگیریم که قانون متعه پوچ و بیهوده و در تضاد با این آیه قرآن است.

**اعتراض ۱۶ ما به قانون متعه: این قانون طلاق اسلامی را ملغی کرده**

اسلام ازدواج را یک پیوند مقدس اعلام کرد و اجازه بازی با آن را نمی‌دهد و چرا این پیوند مقدس نباشد درحالی‌که شالوده زندگی انسانی بر آن بنا شده، برای همین اسلام اجازه بیش از دو طلاق را نمی‌دهد:

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ﴾ [البقرة: ۲۲۹].

«طلاق، (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد، دو مرتبه است».

و اگر مردی زن خود را برای بار سوم طلاق داد مجازات می‌شود، مجازاتی سنگین!!  
یعنی آن زن باید برود اول زن مرد دیگری شود و بعد اگر شانس یاری کند و این مرد دوم، زن را طلاق دهد آنوقت مرد اول میتواند باز با او عروسی کند.  
قرآن میگوید:

﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا﴾ [البقرة: ۲۳۰].

«یعنی ((اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید. در این صورت)، اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید)».

اما در ازدواج متعه این قانون ملغی است مرد میتواند صد بار و بیشتر پیوند زناشویی را بگسلاند و باز پیوند دهد بدون آنکه مجازاتی را منتظر خود ببیند.

شیعه می‌گوید: متعه اصلاً طلاق ندارد تا مجازات داشته باشد پایان مدت دارد.  
خب، نامش طلاق نیست معنی طلاق را که دارد یک زن و شوهر را بر یکدیگر حرام می‌کند یعنی عین همان کار طلاق را می‌کند اما محدودیت ندارد.

قرآن دوست ندارد پیوند زناشویی بازیچه شود زنا که نیست، زناشوی است.  
در اعتراض ۱۴ دیدید تعدد و چند زن گیری را بازیچه کردند، محدودیت اسلام تا ۴ زن برداشتند و آن را تبدیل کردند به ۹۰۰ زن، و اینجا می‌بینید طلاق را بازیچه کردند و محدودیت اسلام تا سه طلاق را عوض کردند و تبدیل کردند به ۳۰۰ طلاق و بیشتر!!.

### اعتراض ۱۷: مودت و رحمت نیست

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ۲۱].

«و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد، آری در این امر برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌های است.»

یکی از نتایج ازدواج، داشتن کانون گرم خانواده است در متعه چنین چیزی نیست. ازدواج مؤقت باعث آرامش و باعث رحمت و مودت و دوستی و مهر و محبت نیست. یک ارتباط جنسی یکطرفه است ما با بقال محبتی نداریم پول می‌دهیم شکر می‌خریم. صیغه عین همین خرید شکر از دکاندار است

### اعتراض ۱۸: زن صیغه‌ای امین و محافظ خانه نیست

حتی باعث آرامش هم نیست زنی که برای یک روز برای اون کار وارد خانه می‌شود صفت «حافظات للغیب» را ندارد آیه را ببینید.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنِينَتٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾ [النساء: ۳۴].

«مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند.»

اما در ازدواج مؤقت آدم نمیتواند مطمئن باشد که این زن یک روزه و مؤقتی از اثاث خانه چیزی را کش نرود و نمیتواند او را در خانه تنها بگزارد و امین خانه کند پس نگهبان خانه نیست که برعکس ترس از او لازم است.

و برای همین می‌برندش هتل و باید مرد، مواظب کیف پولش هم باشد ... عجب آرامشی.

تازه امین بدن و جسد مرد هم نیست، خودت حدیث مفصل بخوان از این مجمل.



**اعتراض ۱۹: نه زوجه است نه کنیز**

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَفِظُونَ ﴿۷۰﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۷۱﴾ فَمَنْ أَبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۷۲﴾﴾ [المؤمنون: ۵-۷].

«و آنها که دامان خود را حفظ می کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند؛ و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند!».

یکی از معجزات قرآن این است که در جملاتی کوچک موضوعات زیادی را بیان می کند.

در آیه بالا الله چون میدانسته بشر راه های زیادی برای عمل جنسی اختراع خواهد کرد لذا فرموده همه راهها سرکشی است الا دو راه.

**اول:** نزدیکی با همسر.

**دوم:** نزدیکی با کنیز خودت.

این روزها شنیدم که دارند آدم مصنوعی درست می کنند برای اون کار!! می گویند تا ۲۰۵۰ تکمیل می شود هرچند که حالا هم قابل استفاده است.

قبل از این عروسک و ذکر و فرج مصنوعی درست کردند.

بشر دوپا، سراغ حیوانات هم رفته ازدواج مرد با مرد و زن با زن هم رایج است بلکه ازدواج دو نفر با یک نفر و ازدواج دست جمعی را اختراع کرده، اما همه با این آیه رد می شود.

حالا باید ببینیم زن صیغه ای همسر است یا کنیز، کنیز که نیست خود شیعه هم قبول ندارد که کنیز است.

**پس همسر است.**

اما صرفاً به اینکه که نام گوجه فرنگی را انار بگذاریم آن انار نمی شود نام مدینه را مکه بگذاریم آن مکه نمی شود نام شراب را آب میوه بگذاریم آن آب میوه نمی شود نام

متعّه را همسری بگزاریم آن همسر نمی‌شود، باید خصوصیات انار و مکه و آب میوه و همسر را داشته، زن متعه شده اگر همسر است.

چرا طلاق ندارد؟!

چرا محدودیت طلاق ندارد؟!

چرا محدودیت عروسی ندارد؟!

چرا شاهد ندارد؟!

چرا ارث ندارد؟!

چرا نفقه ندارد؟!

پس زوجه‌ای نیست که قرآن برسمیت شناخته باشد. و عمل‌کننده به آن از زمره عادیون (از حد تجاوز کننده) است.

زن شوهر مرده، حقوقی در قرآن دارد اما زن صیغه‌ای که شوهرش بمیرد هیچ حقی ندارد نه نفقه، نه ارث، نه سکن و نه و نه و نه و نه ..... که این هم خلاف قرآن است.

### اعتراض ۲۰: نتایج عروسی را ندارد در فرزند و نوه

از اهداف و از مزایای ازدواج یکی این است:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْزَالِكُمْ بَيْنًا وَحَفْدَةً وَرَزَقَكُمْ

مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفِيًا لِبَطْلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿۷۲﴾ [النحل: ۷۲].

«خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟!».

ببینید الله چه زیبا می‌گوید: آیا به باطل ایمان می‌آورند، و نعمت خدا را انکار

می‌کنند؟!

منظور از نعمت الله در اینجا نوه و بچه است اما در ازدواج مؤقت مردم دنبال داشتن بچه و نوه نیستند یک ازدواج دو روزه حاصلش نمیتواند فرزند باشد چه برسد به نوه!! پس ازدواج مؤقت انکار نعمت الله انکار داشتن بچه و نوه است پس ایمان به باطل است.

### اعتراض ۲۱: نتایج عروسی را ندارد در خویشاوندی

علاوه بر این در این نوع ازدواج، زن و مرد با خانواده همسر خود آشنا نمیشوند در حالیکه یکی دیگر از مزایا و اهداف ازدواج دایم همانا گسترش و زیاد کردن فامیل است. ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ [الفرقان: ۵۴].

«او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را دارای خویشاوندی و دامادی نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است.»  
در ازدواج مؤقت طرفین سعی می کنند فامیلشان از این وصلت شوم و مؤقت بیخبر بمانند.

### اعتراض ۲۲: قرآن فلسفه ازدواج مؤقت را قبول ندارد و راه دیگری را تجویز می کند

شیعه می گوید ازدواج مؤقت راه حل برای کسانی است که توانایی ازدواج دایم را ندارند و ترس از این است که در گناه بیافتند.  
اما الله برای کسیکه توانایی ازدواج را ندارد این راه حل را نشان داده، ببینید و عجیب اینکه این آیه همسایه همان آیه است که شیعه مدعیست درباره متعه نازل شده آیه را ببینید:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ  
 أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ  
 بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرٍ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ  
 أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ  
 الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾﴾

[النساء: ۲۵].

«و هرکس از شما توانانی مالی نداشته باشد که با زنانی آزاد مؤمن ازدواج کند - بهتر است - باملك يمين‌های تان از کنیزان مؤمن تان ازدواج کند و خداوند به ایمان شما داناتر است همه از یکدیگرید. پس با اجازه سرپرست شان با آنان ازدواج کنید و مهرهایشان را به وجه پسندیده به ایشان بدهید در حالیکه پاکدامنان غیر پلید کار باشند و دوست گیران نهانی نباشند، آنگاه چون ازدواج کردند اگر مرتکب کارناشایستی - زنا- شدند مجازات آنان به اندازه نصف مجازات‌یست که بر زنان آزاد مقرر است. این حکم - ازدواج با کنیزان- برای کسی از شما است که از آرایش گناه بترسد و شکیبایی - و پاکدامنی - پیشه کردن برایتان بهتر است و خداوند آمرزگار مهربان است».

پس خداوند حکیم در کلام پاکش کسانی را که به علت کمبود امکانات به ازدواج دسترسی ندارند دستور داده باکنیزها ازدواج کنند اگر چنین نکنند و صبر کنند صبر بهتر است بلکه اگر به کنیز هم دسترسی نداشتند باید صبر کنند، اگر متعه حلال می‌بود چرا در اینجا به عنوان آسانترین راه حل که هر کس در هر شرایطی می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد طرح نگردید؟!.

و این هم دلیلی دیگر از قرآن:

﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ [النور: ۳۳].

«یعنی: کسانی که به ازدواج دسترسی ندارند باید صبر کنند و خودشان را پاک نگه دارند تا وقتی که خداوند از فضل خودش آنان را غنا بخشد».

پس علاج این است که انسان صبر کند و خودش را از آلوده کردن به چیزهای دیگر پاک نگه دارد تا خداوند شرایط ازدواجش را میسر کند، اگر صیغه حلال می بود دیگر لزومی نبود که به استعفاف و انتظار امر کند آشکارا می فرمود: صیغه کنید.

شیعه ها می گویند:

آیه ﴿لَا تَحِدُونِ نِكَاحًا﴾ مال کسی است که نکاح متعه نمیابد باید صبر کند.

اما الله گفته: کسی نکاح نیافت صبر کند دوماً شما که می گوید کسی که نکاح نیافت باید متعه کند، پس آیه باید میگفت کسی که نکاح نیافت متعه کند و کسی که متعه نیافت صبر کند در حالیکه آیه مستقیم رفت از نکاح به کنیز و بعد صبر.

و جواب دوم و مهم ما این است که، می گوئیم: آقایان شیعه! نکاح با کنیز سخت تر است و دشوارتر است از نکاح مؤقت یک روزه و پول فراوان می خواهد کنیز هم که زن شد نفقه می خواهد لباس می خواهد خانه می خواهد بچه میاید هرچی می خواهد.

آیا این دشوارتر است یا نکاح یک ساعته که هیچی نمی خواهد جز یک اسکناس درشت.

پس دفاع و بهانه شما درست نیست درست این بود که اگر ازدواج مؤقت قانون اسلام است الله می فرمود: اگر کسی نمیتواند ازدواج دائم کند پس با کنیز عروسی کند، اگر با کنیز نتوانست متعه کند که آسان است البته کسی صبر کند بهتر است.

بله آقایان شیعه! با این دفاع ها آبروی خود را نبرید.

اما اگر این دفاع را نکنند پس آیه که می گوید:

﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ ۖ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُواهُنَّ

بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَءَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَفِّحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ  
 أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ  
 الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾

[النساء: ۲۵].

«و هر کس از شما توانانی مالی نداشته باشد که با زنانی آزاد مؤمن ازدواج کند -  
 بهتر است - با ملک یمین‌های تان از کنیزان مؤمن تان ازدواج کند و خداوند به ایمان  
 شما داناتر است همه از یکدیگرید. پس با اجازه سرپرست شان با آنان ازدواج کنید و  
 مهرهایشان را به وجه پسندیده به ایشان بدهید در حالیکه پاکدامنان غیر پلید کار باشند و  
 دوست گیران نهانی نباشند، آنگاه چون ازدواج کردند اگر مرتکب کارناشایستی - زنا-  
 شدند مجازات آنان به اندازه نصف مجازات‌بست که بر زنان آزاد مقرر است. این حکم -  
 ازدواج با کنیزان- برای کسی از شما است که از آرایش گناه بترسد و شکیبایی - و  
 پاکدامنی - پیشه کردن برایتان بهتر است و خداوند آمرزگار مهربان است.»

را چگونه ماست مالی کنند؟.

### اعتراض ۲۳: زن کشتزار نیست

در ازدواج مرد حق زناشویی دارد اصلاً برای همین عروسی کرده اما در متعه زن حق  
 دارد شرط بگزارد و که مرد اجازه آمیزش ندارد.  
 اما اگر زن کشتزار مرد است و هدف ازدواج آباد کردن این کشتزار است پس در  
 ازدواج مؤقت این هدف وجود ندارد پس این آیه پایمال شده در این قانون.

﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ<sup>ط</sup> وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ<sup>ج</sup> وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا  
 أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾﴾ [البقرة: ۲۲۳].

«زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده!».

### اعتراض ۲۴: در متعه، مرد برتر از زن نیست، بلکه طرف قرارداد است

و باز زن در ازدواج موقت می‌تواند بی‌اجازه شوهر هر جا که خواست برود و هر کس خواست را ببیند و مرد اون قوامیت که در ازدواج دائم دارد را اینجا ندارد بلکه به مفاد قرار داد عمل می‌کند.

پس در اینجا هم این آیه دیگر پایمال قانون متعه می‌شود:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ فَالصَّالِحَاتُ قَنِينَتٌ حَفِظْنَ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾ [النساء: ۳۴].

«مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند».

### اعتراض ۲۵: پیمان محکم نیست.

اول این آیه را در سوره نساء ببینید که در آن الله ازدواج را پیمان محکم نامیده است:

﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ